

واکنش یونسکو به کووید-۱۹

بخش آموزش - یادداشت شماره ۴,۲ - آوریل ۲۰۲۰

تهیه شده توسط: دفتر یونسکو در بیروت، اداره بین‌المللی آموزش و بخش سیاست آموزشی با حمایت دفاتر یونسکو در بانکوک و آبوja

ترجمه: دفتر منطقه‌ای یونسکو در تهران

بحران و برنامه درسی: حفظ کیفیت آموزش در چارچوب یادگیری از راه دور

مقدمه:

پاندمی کووید-۱۹ زندگی بخش‌های بسیاری از دانش‌آموزان، آموزگاران و والدین را در سراسر جهان تغییر داده است به گونه‌ای که میلیون‌ها نفر در حال حاضر مشغول تدریس یا یادگیری از خانه هستند. در حالی که این وضعیت در وهله اول یک بحران سلامت است اما می‌تواند اثرات بلندمدت قابل توجهی بر آموزش، برنامه درسی و فرآیند یادگیری داشته باشد. با این حال، همین وضعیت می‌تواند به فرصتی برای بازاندیشی در برنامه درسی، نحوه ارزیابی فرآیندهای تدریس و یادگیری و توسعه قابلیت‌های دانش‌آموزان به منظور تقویت مهارت‌های یادگیری و حفظ انگیزه آن‌ها بدل شود.

هرچند پیش‌بینی زمان بازگشت موسسات آموزشی به روال عادی همچنان زود به نظر می‌رسد، اما دوران پسابحران را باید به دلیل حفظ استمرار یادگیری (و برنامه درسی) پیشاپیش در نظر داشت.

درس‌آموخته‌ها از تلاش‌های کشورهای در سطح ملی به ویژه در حوزه آموزش در مواقع اضطراری، و استفاده به‌جا از منابع (از جمله منابع دیجیتال) باید هرچه بیشتر به کارگرفته شوند تا دانش‌آموزان، آموزگاران و والدین دچار دلزدگی یا سردرگمی نشوند.

بحران حاضر می‌تواند فرصتی را برای مدارس در جهت تقویت پیوندهایشان با خانواده‌ها، و برای آموزگاران به منظور ارتباط و همکاری بهتر با والدین در راستای منافع فرزندان ایجاد کند. همچنین، بحران بدین معنی است که آموزگاران و والدین می‌توانند مشارکت بیشتری در تصمیم برای مناسب بودن برنامه درسی بگیرند این امر می‌تواند به ایجاد یک پارادایم یادگیری دانش‌آموزمحور، مشارکتی و فراگیر که منافع دانش‌آموزان و همچنین محیط اطراف و آمال و آرزوهایشان را در نظر می‌گیرد بینجامد.

تعریف مساله و مسائل کلیدی مربوطه:

در جریان پاندمی کووید-۱۹، تمایلی برای هجوم به سمت استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به منظور اطمینان از استمرار فرآیند یادگیری دیده می‌شود. با این حال، اگر هدف، مشارکت، انگیزش و حمایت دانش‌آموزان برای یادگیری در این دوران است، ملاحظات بیشتری در مورد کیفیت رویکرد به کارگرفته ضرورت دارد. استمرار یادگیری خارج از مدرسه مستلزم پیش‌زمینه‌هایی است که امکان‌های زیر را فراهم کنند:

- **دانش آموزان** از منابع تدریس و یادگیری با کیفیت و در دسترس و هم چنین حمایت اجتماعی و هیجانی از جمله اعتماد به نفس گرفتن و درک شدن از جانب آموزگاران و والدین برخوردار شوند.
- **آموزگاران** به دانش آموزان در کسب، توسعه و به کارگیری دانش، مهارت، نگرش و رفتارهایی که معرف ارزش‌هایی همچون آموزش شهروندی است، کمک کنند.
- **خانواده‌ها** به تقویت آموزش فرزندان‌شان از طریق حمایت، تشویق، و تجهیز درموارد لازم، کمک کنند، و نهایتاً؛
- **نظام آموزشی** الزامات جدیدی را از طریق بازبینی در موارد مربوط به یادگیری و انجام اقدامات نظارتی لازم بنا به اقتضا، در پیش بگیرد.

برنامه درسی و موارد مربوط به آن، از قبیل منابع آموزشی، مهارت اداره کلاس و ارزیابی، باید به گونه ای متفاوت و به صورت سیستمی مورد بازبینی قرار گیرد. روندهای معمول باید جای خود را به راهکارهای خلاق و نوآوری‌های منعطف بدهند تا یادگیری در زمان بحران به صورت باکیفیت، درست و اثربخش اتفاق بیفتد.

برنامه درسی به طور معمول، از یک سری چارچوب، شیوه مطالعاتی، شرح درس (از جمله تعدادی مهارت قابل حصول از طریق یک توالی منظم از حوزه‌های مختلف یا دروس قابل یادگیری) و منابع آموزشی مانند کتب درسی تشکیل شده است. در جریان یادگیری از راه دور، کتب درسی و و درس‌ها اغلب به صورت الکترونیک بارگذاری می‌شوند و آموزگاران از راه دور تدریس می‌کنند و به دانش آموزان تکلیف می‌دهند. تمامی این امور به برنامه ریزی جامع و همراهی با اولویت‌های یادگیری و استانداردها و معیارهای کیفیت نیاز دارند تا از ایجاد بار اضافی بر دوش دانش آموز و والدین جلوگیری به عمل آید.

- **حوزه‌های یادگیری/موضوعات درسی:** برخی حوزه‌های یادگیری ممکن است از قبل به صورت آنلاین در دسترس باشند (برای مثال زبان، ریاضی و علوم). تلاش و خلاقیت بیشتری برای سرمایه گذاری در سایر حوزه‌ها مانند مطالعات اجتماعی، هنر، و تربیت بدنی لازم است تا این دروس مغفول واقع نشوند. کشورها باید به تمایز میان موضوعات درسی که نیازمند مقیاس و توالی معینی هستند و دروسی که محتوای آنها از انعطاف بیشتری برخوردار است توجه کنند.

- **کتب درسی:** از آنجا که کتب درسی ملموس ترین مولفه برنامه درسی و نزدیک ترین ماده آموزشی به آموزگاران و دانش آموزان هستند، دیجیتالی شدنشان در برخی موارد به بارگذاری کتب، دروس، و تکالیف به صورت آنلاین محدود می‌شود. در بسیاری کشورها، کتب درسی توسط بخش خصوصی چاپ می‌شوند. حقوق مولف و امتیاز و اجازه برای دیجیتالی کردن محتوای آنها یک چالش محسوب می‌شود که با هزینه همراه است. مشارکت اثربخش میان بخش دولتی و خصوصی، برای مثال در قالب چاپخانه‌ها و بنگاه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات باید در اسرع وقت در دستور کار قرار گیرد.

- آموزگاران: می‌توان از آموزگاران درخواست کرد تا درس‌هایشان را از طریق بستر آنلاین، تلویزیون یا رادیو ارائه دهند. درحالی که این امر اقدامی برای حفظ کارکرد نظام آموزشی محسوب می‌شود، معلمان باید برای بهره‌گیری از گستره وسیعی از فرصت‌های قابل‌ارایه در بستر یادگیری از راه دور مانند پلتفرم‌های آنلاین، شبکه‌های اجتماعی، تلویزیون و رادیو آمادگی داشته باشند تا بدین ترتیب، ارتباط دوسویه خود را با دانش‌آموزان حفظ کنند. نظام آموزشی باید نیازهای آموزگاران را که با این شرایط اضطراری مواجه شده‌اند، در اولویت قرار دهد تا از استمرار امر تدریس اطمینان حاصل کند. این استمرار باید بر مبنای ظرفیت آموزگاران برای کار حرفه‌ای و مستقل، توانایی‌شان در انطباق و تعامل در شرایط پیچیده، توانایی‌شان در اتکا به دانش، مهارت و اقدامات مختلف، و نیز اختیار و مسوولیت شخصی، استوار باشد. سازماندهی آموزگاران حول ابزارهای سریع ارتباطی که برای مدیریت این بحران اختصاص داده شده‌اند، بسیار حائز اهمیت است. این امر مواردی همچون آموزش مجازی و بستری برای تبادل اطلاعات و نیز آموزش استفاده از شبکه‌های اجتماعی را دربرمی‌گیرد که باید برای هدف‌های مرتبط با تدریس از قبیل طرح درس‌های سریع یا راهنمایی‌های حین تدریس مورد استفاده قرار گیرد.
- **ارزشیابی:** روش‌های مناسبی برای ارزیابی و اعتبارسنجی دستاوردهای آموزشی باید به کار گرفته شوند. علاوه بر ارائه منابع و دروس به صورت از راه دور، گنجاندن ارزشیابی در سطوح مختلف از طرق زیر حائز اهمیت است:
 الف) بازخورد فوری، مرتبط، و سازنده به دانش‌آموزان
 ب) ارزیابی‌های آگاهی بخش بر مبنای مشاهدات، تعاملات، بحث‌های گروهی، پرسشگری راهبردی، پروژه‌های خلاقانه و دیگر تکالیف انگیزاننده برای دانش‌آموزان ج) ارزشیابی‌های نمره‌ای د) ارزیابی‌های کلی مانند امتحانات پایان سال. در شرایط کنونی، ارزشیابی‌های کلی و امتحانات سراسری و ارزشیابی‌های متعارف احتمالاً باید مورد تجدید نظر قرار گیرند. بدین معنی که یا به تعویق بیفتند یا با دیگر روش‌های ارزشیابی مانند ارزشیابی‌های کلاسی یا مدرسه‌ای جایگزین شوند یا براساس مقیاس یا شرایط برگزاری‌شان، با تغییراتی روبرو شوند؛ مثلاً به صورت آنلاین برگزار شوند. درکل، کشورها باید حالت‌های مختلف را در نظر گرفته و تصمیمات مقتضی را اتخاذ کنند.
- **متنوع سازی گزینه‌های آموزشی:** باید به یاد داشت که اتخاذ یک رویکرد سیستمی درخصوص برنامه درسی به متنوع سازی آموزش هر چه بیشتر ورای روش‌های سنتی موجود خواهد انجامید. یادگیری دیجیتال، از طریق ابزارها و پلتفرم‌های دیجیتال، مطمئناً بهترین انتخاب است. محتوای دیجیتال البته باید با دیگر انواع رسانه مانند تلویزیون، رادیو و شبکه‌های اجتماعی همراه شود تا در اختیار تمامی دانش‌آموزان از جمله آن‌هایی که از ارتباط و ابزارهای اینترنتی بی‌بهره‌اند، قرار گیرد.

درس‌هایی از تجربه‌های قبلی و بحران فعلی:

براساس تجارب قبلی و فعلی می‌توان گفت این یک واقعیت است که کشورها تلاش بی وقفه‌ای را برای گذار از رویکردهای یادگیری چهره به چهره، به سمت رویکردهای یادگیری از راه دور با استفاده از ابزارهای دیجیتال انجام می‌دهند.

با این حال، همچنان که در جریان این بحران هم ثابت شد، دیجیتالی شدن صرفاً به معنی بارگذاری دروس به صورت آنلاین یا تدریس آموزگاران در مقابل دوربین نیست. بدون وجود آماده سازی لازم برای آموزگاران و راهبری و هماهنگی قوی در سطح ملی و محلی، این امر به سردرگمی و به زحمت افتادن آموزگاران، دانش آموزان و والدین خواهد انجامید. دانش آموزان در این صورت ممکن است با انبوهی از تکالیف مواجه شوند که خود و خانواده‌هایشان از پس آن‌ها برنمی‌آیند. به علاوه، بسیاری از دانش آموزان و خانواده‌هایشان به ابزارهای آنلاین دسترسی ندارند و حتی شبکه‌های ملی و محلی نیز به سرعت اشباع شده و با کندی همراه می‌شوند. دیگر چالش‌های این حوزه عبارتند از زیرساخت‌ها و ابزارهای ضعیف، ظرفیت‌های اقتصادی کم و نیز نرخ‌های بی سوادى بالا و مساله زبان ارائه دروس.

یادگیری در جریان بحران، علاوه بر گسترش دانش و توسعه و حفظ مهارت‌های دانش آموزان، تمرکز بر ارزش‌ها و پاسخ به نیاز دانش آموزان به آرامش یافتن، حمایت اجتماعی و هیجانی کافی دریافت کردن و انگیزه کافی داشتن برای چشم انداز مثبت برای آینده را طلب می‌کند. بحران مستلزم همکاری بین بخشی بیشتری میان آموزش، سلامت، اقتصاد و دیگر بخش‌ها، با نگرشی کل گرایانه و فراگیر است.

درچارچوب بحران، یادگیری می‌تواند و باید غنی تر و متنوع تر شود. این امر از طریق تاریخ شفاهی و یادگیری بین نسلی خانواده و اجتماع اتفاق می‌افتد و خانواده‌ها، آموزگاران، و مدیران را با به اشتراک گذاری چندجهتی و یادگیری از یکدیگر دربرمی‌گیرد. مساله در اینجا فراتر رفتن از آموزش رسمی و درنظر داشتن آموزش رسمی و غیررسمی است.

دانش آموزان حتی المقدور باید به بازی کردن و مشارکت در فعالیت‌های لذت بخش یادگیری که روحشان را در زمان بحران جلا می‌دهد و انگیزه شان را برای یادگیری تقویت می‌کند، ترغیب شوند.

پیام‌های کلیدی و پیشنهادهای عملی برای طراحی مداخلات سیاستی:

در سطح سیاست گذاری

این امر بسیار مهم است که سازمان‌های تدوین برنامه درسی و بخش‌های مختلف وزارت آموزش و پرورش ستادهایی مشترک به منظور بازتعریف برنامه درسی و دستاوردهای یادگیری در موضوعات درسی مختلف تشکیل دهند و آموزگاران و والدین را هم در آن‌ها دخیل کنند. آموزگاران و والدین باید بتوانند به صورت منعطف و خلاق براساس یک دستورالعمل و تمرکز بر اولویت‌های یادگیری، به فعالیت بپردازند. در زمان‌های بحران، نباید انتظار داشت برنامه درسی معمول که زمانبر و پرمکار است از طریق ابزارهای آنلاین، به صورت تمام و کمال ارائه شود.

انسجام و عدالت در فرصت‌های یادگیری، ایجاد دانش، توسعه مهارت و کاربرد آن‌ها برای دانش‌آموزان از جمله دختران ساکن مناطق روستایی، آواره شدگان، افراد دارای نیازهای ویژه و اعضای خانواده‌های کم‌درآمد باید در نظر گرفته شود.

اولویت دهی به دانش‌آموزانی که در شرف فارغ‌التحصیلی هستند، یا در یادگیری با دشواری مواجه‌اند، یا با خطر ترک تحصیل به دلایل اقتصادی روبرو اند، بسیار حائز اهمیت است.

رویکردهای سیستمی به برنامه درسی باید از طریق اطمینان از انسجام میان سیاست‌های آموزشی، مدیریت مدرسه، یادگیری دانش‌آموز، ارزشیابی، فعالیت معلمان و منابع آموزشی حفظ شوند. همچنین نه تنها ایجاد یک بستر برای بارگزاری و بارگیری منابع حائز اهمیت است، بلکه انسجام میان تمامی مولفه‌های برنامه درسی و مسائل مربوط به آن نیز به همان اندازه اهمیت دارد.

از زمان‌های بحران هم چنین می‌توان به منظور دعوت از معلمان برای کاوش هرچه بیشتر در عناصر برنامه درسی مکتوب و کتب درسی، از قبیل چارچوب‌ها و طرح درس‌ها، بهره برد تا بدین ترتیب بتوانند به روش‌ها و ابزار مختلفی برای جبران کیفیت یادگیری و تدریس برنامه درسی دسترسی داشته باشند. چنین فعالیت‌هایی می‌تواند در گسترش فرهنگ برنامه درسی مبتنی بر چشم اندازی مشترک درباره کیفیت یادگیری مفید واقع شود.

وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، واحدهای تدوین برنامه درسی، در تعامل با مسئول هماهنگی آموزگاران و متخصصان ارزشیابی باید به همفکری و برنامه ریزی برای دوران پسابحران بپردازند یعنی زمانی که مدارس بازگشایی می‌شوند و دانش‌آموزان به صورت قبل با کلاس درس و دیگر فعالیت‌ها در ارتباط هستند. با این حال، با توجه به درس‌آموخته‌ها از بحران‌های مختلف، تدوین و پیاده سازی برنامه درسی نباید مثل زمان‌های عادی دنبال شود. بحران فعلی فرصتی بزرگ را برای بازنگری در یادگیری با کیفیت و روش‌های ارزشیابی برنامه درسی به منظور شناسایی عناصر غیرضروری و ناکارآمد به دست می‌دهد که باید بازتعریف، حذف، جایگزین یا تقویت شوند.

در سطح عملیاتی

مدیران مدارس باید آموزگاران را با ترغیب به گفت و گو با یکدیگر، همراستا ساختن رویکردهای تدریس و نیز الزامات مربوط به تکالیف و ارزشیابی‌ها، هماهنگ سازند.

مدارس باید در کنار هم خوشه‌هایی را تشکیل دهند و طوری سازمان یابند که آموزگاران بتوانند از بالادستی‌های خود در مسائل درسی و روش‌های تدریس به ویژه درحوزه ادغام تدریس با فناوری اطلاعات و ارتباطات، کمک و حمایت دریافت کنند.

مقامات ملی و استانی در حوزه آموزش باید به سرعت ظرفیت‌های آموزگاران برای کمک به یادگیری در بستر آنلاین به صورت تعاملی را ارزیابی کنند. مدارس و آموزگاران باید از آزادی عمل بیشتری در مدیریت برنامه درسی متناسب با شرایط محلی برخوردار باشند.

به منظور ارتقای ظرفیت آموزگاران و والدین در کمک به یادگیری از راه دور، مدیران مسئول در سطح ملی و استانی باید همکاری‌های قابل اتکایی با سازمان‌های مردم نهاد و شرکت‌های خصوصی فعال در فضای یادگیری آنلاین و از راه دور ایجاد کنند. این نهادها میتوانند جلسات آموزشی سریعی به کمک ابزارهای تعاملی همچون پاورپوینت، ویدیو، امتحانک، تعریف پروژه و غیره برگزار کنند.

دانش آموزان که درمقایسه با آموزگاران و والدین، غالباً تجربه بیشتری در استفاده از ابزارهای دیجیتال دارند باید در تعریف شرایط یادگیری آنلاین و نحوه نمایش دادن محتوای آنلاین مشارکت کنند. دانش آموزان به جای یادگیری واقعیت‌ها و داده‌های نامرتبط، احتمالاً علاقه بیشتری به مناظره درباره یک موضوع روز یا بحث درباره یک اثر هنری مثل یک رمان، فیلم یا نقاشی دارند و می‌خواهند اثر خلاقانه خود را از طریق ساخت ویدئو، تصاویر متحرک و دیگر ابزارهای شبکه‌های مجازی ایجاد کنند.

بحران فعلی فرصتی را به منظور ارتقای مهارت دانش آموزان درحوزه تفکر درمورد امور مهم، مثل پرسشگری، خلاقیت، و حل مساله به دست می‌دهد. در عین حال، به آنها در ایجاد مهارت‌های مهم اجتماعی و هیجانی مانند همدردی، همکاری، کمک به یکدیگر، تاب آوری و فعال بودن، ابتکار عمل داشتن و اقدام مسئولانه در چارچوب ریسک پذیری و تصمیم گیری، کمک می‌کند.

دستاوردهای یادگیری و شیوه ارزیابی آنها نیازمند بازنگری جدی است. در جریان بحران، بیش از نمره دهی، کمک به دانش آموزان برای شناسایی نقاط قوت و ضعفشان و حرکت به سوی غلبه بر مشکلات یادگیری است که اهمیت دارد. آموزگاران و مدارس باید از امکان بیشتری برای انجام ارزیابی‌های آگاهی بخش و تبدیل آنها به فرصتی برای یادگیری برخوردار باشند. دانش آموزان نیز با توجه به آشنایی متعارف با ابزارهای آنلاین، باید در ساختارمند کردن این روش‌های جدید ارزشیابی که آمیخته‌ای از خودارزیابی و ارزیابی در گروه همسالان است، دخیل باشند.

UNESCO-IIEP & GPE. 2016. Guidelines for transitional education plan preparation.

<https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000244900>

Save the Children. 2015. What do children want in times of emergency and crisis?

<https://www.savethechildren.org/content/dam/global/reports/education-and-childprotection/what-children-want.pdf>

وبسایت‌های منتخب:

<https://en.unesco.org/themes/education-emergencies/coronavirus-school-closures/solutions>

<https://www.gse.harvard.edu/uk/coronavirus>

<https://ytlfoundation.org/learnfromhome/>

<https://inee.org/>